

انتقاد از خود

این قافله تا به حشر لنگ است

امیرفیض- حقوقدان

دقیقا میدانم که این تحریر برای عده ای مشکل ساز و غیرقابل تحمل است، و مسلما با واکنشهایی ممکن است روبرو شود، ولی در حالیکه سی تحریر درباره ادعای خودسرانه و تبعات آن تنظیم شده است حق نیست که **ضعفی که در جبهه مخالفت با مدعیان ادعای محکمه صحرانی** نمودار بود گفته نشود. چراکه نه کتمان وقایع کاردستی است و نه اینکه خودداری از تکلیف، کار انسانی، و از همه مهمتر شناخت ضعف لازمه درستی کار در آینده است >دوستی که عیب دوست نگوید، خصم است که در نهان دوست را بگوید.<

انتقاد

انتقاد که بعنوان یک عمل خوب و تکلیف انسانی شناخته شده است همواره متوجه کلام و عمل دیگران است. چرا این عمل خوب و مساعد نسبت به گفتار و کردار نویسنده از ناحیه خود نویسنده و تنظیم کننده تحریرات جریان نیابد و در کلامی روشن چرا باب انتقاد از خود مفتوح نشود، >آیا سبب سرخ برای دست چلاق بد است.<

انتقاد در تحریرات

نسبت به تحریرات مربوط به اتهام و محکمه صحرانی نسبت به اعلیحضرت انتقاداتی از سوی منتقدین که محدود به همان تشکیل دهندگان محکمه صحرانی و نیز طراح نامه هشدار بوده به میان آمد، که پاسخگویی هم شده است، ولی انتقادی هم به کیفیت برخورد سلطنت طلبان با نامه هشدار و تبعات آن وارد است که بخشی از آن متوجه محرر تحریرات و بخشی متوجه دیگران است.

نخست انتقاد بر تحریرات

ممکن است بر تحریرات انتقاداتی که بتوان به آن عنوان >انتقاد از خود< داد وجود داشته باشد؛ ولی بنظر میرسد که مهمترین آنها که میتوان گفت موجب تنظیم این تحریر گردید عنوان بیماری سادیسم به امید دانا بود.

عنوان سادیسم به امید دانا توجه اتهاماتی را که او به اعلیحضرت داده است را ضعیف میسازد زیرا:

****** سادیسم نوعی بیماری است، و بیماری از اسباب سلب اراده درست و قصد کامل در ارتکاب جرم است و لذا بمنظور اصالت تحریرها و توجه کامل آثار و تبعات اتهام خیانت به ملت که امید دانا متوجه اعلیحضرت کرده است بنده انتقاد از خود را باکمال میل پذیرفته ام و موضوع توجه بیماری سادیسم را از تحریرات حذف میدانم و در نتیجه اعمالی که امید دانا در رابطه با نامه هشدار نسبت به اعلیحضرت نسبت داده شده در مجرای اصالت قصد و اراده و سلامت عقل و نفس قرار گرفته است.

****** دوم اینکه در مبارزات سیاسی آنچه مطرح است عقیده سیاسی و مسائلی است که بعقیده سیاسی منجر میشود، از جمله ارتباط و عاملیت افراد، نه مسائل شخصی از قبیل بیماری و یا رفتارهای شخصی و خانوادگی و امثال آنها زیرا این مسائل فرعی صورت مسئله که نفس محکوم کردن عمل متهم کردن اعلیحضرت است را تحت الشعاع قرار میدهد.

توجه انتقاد به دیگران

در جبهه مخالفان نامه هشدار و پی آمد های آن، متاسفانه در برخی از واحدهای مبارزاتی موضوع اصولی و لازمی که از ارکان اصلی مبارزه است نادیده گرفته شده است.

موضوع اصلی در مبارزه سیاسی اعتقاد سیاسی است که گروهی <آن میدانند و گروه دیگری غیر آن> اعتقاد سیاسی منزه از اخلاق انسانی و یا جنسیت و یا باورهای دینی و یا سلائق شخص و حتی اخلاقی است.

تداخل آنها با کار و یا مبارزه سیاسی هدف و حقیقت و اصالت کار سیاسی را منحرف و ضعیف میسازد.

انتخاب افراد برای قبول مسئولیت ها، با مبارزه سیاسی در مرحله اثبات حقایق اعتقاد سیاسی متفاوت است؛ عبارت معروف <اول طریق بعد رفیق> بیان کننده وجه تمایز بین رفاقت از طریق هماهنگی اعتقاد با رفاقت از طریق آمیزش اجتماعی است.

ریشه گرایشهای اعتقادی و اخلاقی

توضیح اینکه - اعتقاد سیاسی مربوط به شخص نیست بلکه جریانی است که اعتقاد و اندیشه و فکر شخص در آن جهت قرار میگیرد. جریانی است که از نص و یا ریشه های فرهنگی بارور شده است. در حالیکه گرایش های اخلاقی جریانی سطحی است که برای انسان ها بوجود میآید و ریشه هائی از اصالت و حقایق ندارد و ممکن است موقتی باشد. به همین دلیل است که **رفاقت بدون طریق** زود گذر و سطحی است.

<دیرگسل بُود بنای رفاقت که خالی از خلل است>

واما بعد

در جبهه مخالفان نامه هشدار مواردی وجود داشت که آن جبهه بجای مبارزه سیاسی و ارائه استدلال و رد برنامه مزبور و تبعات آن به مسائل اخلاقی پرداخته بود در یک جبهه که ظاهراً به اعتبار نامش میتوان آنرا سرآمد آن جریان شناخت (سربازان آئین پادشاهی ایران) بیش از ۱۰ بار واژه همجنس باز در مورد

امید شریفی دانا مصرف کرده و چون برای گوینده برنامه هم این واژه خسته کننده شد از کلمه «ابنه» استفاده کرد و برای آنکه به شنوندگان آنرا تفهیم کند هم معنا کرد و هم راهنمایی که این واژه عربی است و تنها کاری که نشد عملاً آنرا به نمایش و اجرا بگذارد.

موضوع «ابنه» و همجنس گرایی امید دانا تا آنجا فضای برنامه را اشغال کرده بود که اگر بیننده تصور میکرد که برنامه مزبور برای تقبیح آن اعمال خلاف اخلاق است تصویری نامربوط نبود زیرا با دقت ویژه ای ممکن بود عنصر واقعی موضوع که توجه اتهام خیانت به اعلیحضرت از سوی امید دانا بود، در آن برنامه مشاهده شود.

انتقاد به عمل سازمان

این اقدام آن سازمان کارسیاسی نیست؛ آنهم با امکاناتی که آن سازمان در اختیار دارد (انتشار رسانه ای) دخالت دادن خصوصیات اخلاقی افراد، اصالت دفاع را تضعیف میکند و موجب این توهمات میشود:

۱- این توهم رابوجود میآورد که چون پایه های دفاع ضعیف است با پیوند زدن به مسائل خصوصی و همسر و غیره میخواهند برای دفاع ایجاد مشروعیت قبول نمایند.

۲- تبادر ذهنی دیگران است که سازمان مزبور امید دانا را بجای موظف به اثبات ادعاهای خود و ابراز دلیل اصالت محکمه صحرانی بنماید، دعوت به اثبات پاکی اخلاقی کرده است، آنهم فساد اخلاقی که در کشورهای اروپایی و امریکا و اساساً دین مسیح رنگ تازه ای یافته است تا جانی که >پاپ فرانسیس در بازگشت از سفر ارمنستان گفته است کلیسای کاتولیک باید به خاطر رفتاری که با همجنس گرایان داشته عذرخواهی کند<.

(هفتم تیرماه سال جاری)

۳- توهم دیگر اینکه، اگر امید دانا مشمول اتهام گی و همجنس بازی نمیشد، اقدامات و اتهاماتش میتواند در مسیر توجیه قرار گیرد و در کلامی دیگر سازمان سربران آئین پادشاهی (علیرضا - شهباز- قهرمانی) اتهام گی بودن را مهمتر از اتهامی که امید دانا متوجه اعلیحضرت کرده و میکند میداند.

۴- مشکل دیگر بهانه ای میشود به دست اندر کاران ادعای هشدار از جمله امید دانا که خود را از حضور در متن معاف سازد و بجای اثبات ادعاهای باطله به دفاع از اتهام همجنس گرایی خودش بپردازد که یک برنامه هم به این کار اختصاص داد.

۵- مشکل بزرگتر آنکه چون سازمان مزبور خود را یک سازمان سلطنت طلب بحساب می آورد، این بیراهه ها به حساب مبارزه سلطنت طلبان گذاره میشود و به این دلیل است که اتهام ناروای فحاشی و سبگ گوئی به سلطنت طلبان نسبت داده شده است.

مسیر ادعا ورد ادعا

ادعا یا رد ادعا باید در مسیر هم قرار داشته باشند یعنی طوری در مسیر باشند که وجود یکی لازمه محو دیگری شود لازمه این عمل، محدود بودن پاسخ به محدوده و موضوع ادعاست، از باب مثال کسی که

مدعی است طلبی از دیگری دارد و دلائلی ارائه میدهد، باید در رد آن دلائل، اظهارات کرد نه اینکه از بدی اخلاق طرف و طرز رفتارش با خانواده و غیره صحبت شود.

طنزی هست که میگویند، معلمی سوال سختی را مطرح کرد تا شاگردانش جواب آنرا بیابند همه شاگردان ساکت ماندند، یکی از شاگردان که معروف به «کودنی» بود بعنوان آماده داشتن جواب دست بلند کرد و همه با حیرت متوجه او شدند آن شاگرد در پاسخ به سوال مزبور گفت آقای معلم این بغل دستی من انگشتش را در دماغش کرد.

این طنز در رابطه با عدم تناسب و رابطه بین ادعا و مقابله و یا سوال و جواب است.

انتقاد بر حائاتی ادعا

چرا باید ادعای امید دانا و کسانی مانند او که فاقد اصالت است و مدعیان، خود فراری از ادعای کاذب خود هستند بجای قرار گرفتن در موقعیت اثبات، مواجه با ادعای **گی** بودن بشوند؟ چرا باید بجای شرمساری و ذلتی که حق آنهاست اتهام **گی** بودن را جانشین آن ساخت. در کار سیاسی شرمساری، ناشی از شکست و ناهقی هدف عالی مبارزه است، در حالیکه شرمساری از **گی بودن** امری نسبی است. **شکست در مبارزه سیاسی، شکست و بی اعتباری عقیده است**، و افشای **گی** بودن اشخاص، سقوط اخلاقی افراد است که تنها در موقع انتخاب آنها برای تصدی بر اعمالی باید رعایت شود. آیا تفاوت این دو کم است که برخی افراد ناخودآگاه راه دوم را انتخاب و پرورش میدهند؟

منطق در ادعا و دفاع

کسی که ادعایی دارد اگر منطبق با اصل و اصول بود جوابش باید از منشاء اصول و قانون باشد و اگر ادعای او از منشاء اصول و قانون نبود کافی است که عدم انطباق آن ادعا با اصول و قانون اعلام شود در غیر اینصورت، قرار دادن مسائل جانبی و اخلاقی و امثال آنها در مقابل آنان قاطعیت را نصیب گفتگو و اختلاف نمیسازد و موضوع میشود جر و بحث که پایانی بر آن متصور نیست؛ حکما عقیده دارند که قافله مزبور تا بحشر لنگ خواهد بود.

طبایع مختلف

برخی از افراد عادت دارند که هرچه خودشان باور دارند اصیل است، و برخی دیگر همراه یکطرفه به قاضی میروند و قاضی هم خودشان هستند - برخی دیگر اساسا معتقد به رعایت اصول نیستند و برخی با آنکه میدانند که درست نمیگویند ولی اخلاق قبول موضوع و رفع اشتباه را ندارند و بسیاری نظیر آنها

برای آنکه به این اغتشاشات حاکم بر جر و بحث خاتمه داده شود، علم منطق قائل به اتکای کلام بر اصول شده است، **بنابراین بحثهای سیاسی کنونی وقتی در مسیر منطق قرار میگیرد، که بر پایه اصول**

یعنی قانون اساسی مشروطیت و یا قانون اساسی جمهوری اسلامی باشد و خارج از آن نظر است. اگر مسیر گفتگو در شاهراه اصول و قانون نباشد مطلوب از مبارزه و کار سیاسی حاصل نمیشود.

یکی از حکما در این باب سخنی دارد که بارها مورد استفاده سنگر قرار گرفته است.

>اگر بر اساس اصول و قانون سخنی گفته شود، حکمت

است، و اگر بر اساس ~~نظر~~ باشد بدعت است <